

گناه دزدی و ثواب صدقه از رامین کامران

اخیراً مطالب بسیاری در باره کمک‌های مالی که برخی از منادیان ایرانی حقوق بشر، از ایالات متحده دریافت میکنند، روی شبکه های اجتماعی و کلاً اینترنت پخش شده است - با عدد و رقم. میزان این کمک‌ها چشمگیر است و گاه باعث میشود که خواننده از خود بپرسد که این افراد با این پولها چه میکنند؟ واقعاً یک سایت درست کردن و درش اخبار حقوق بشری درج کردن، اینهمه خرج دارد؟ یا گاه و بیگاه مصاحبه یا سخنرانی کردن، محتاج این اندازه پول است؟ بخصوص که میدانیم برخی از این یارانه گیران، خودشان احتیاج مالی ندارند.



ظاهراً این افراد معتقدند که چون در راه حقوق بشر زحمت میکشند، میتوانند از هر جایی و به هر صورتی کمک بگیرند و عملشان قبحی ندارد و اگر هم داشته باشد، به فواید کاری که میکنند در! در درستی این مدعا که ممکن است برخی از مصرف کنندگان گفتار های حقوق بشری را هم به دام بیاندازد، جداً شک هست و نیز در بلاعوض بودن کمکها، پس باید مسئله را شکافت.

تعیین تکلیف با سیاست

اول از همه باید توجه داشت که حقوق بشر، در جایی بین اخلاق و سیاست قرار دارد. نفی بعد سیاسی آن، به حد اندرز های اخلاقی تقلیلش میدهد و راه را بر ارزیابی درست آن و چشم را بر سوءاستفاده سیاسی از آن، میبندد.

به دستگاه های معروف و با سابقه حقوق بشری هم که نگاه نکنید، این مسئله را میبینید. مثال قدیمش لیگ حقوق بشر فرانسه است که در سالهای هزار و نهمصد و سی، از محکوم کردن تصفیه ها و دادگاه های استالینی طفره رفت و با این کار به اعتبار خویش لطمه ای سنگین وارد آورد. موارد اغماض عفو بین الملل هم کم نیست. شاید آشنا ترین آنها برای ایرانیان، در ابتدای قدرتگیری خمینی روی داد، وقتی این مؤسسه که در محکوم کردن نظام آریامهری بسیار چابک و سختگیر بود، تا مدتها نمیخواست قاطعیتی نظیر آن، در حق نظام اسلامی نشان بدهد.

دیده بان حقوق بشر هم که آمریکایی است و به نوعی به تقلید از عفو بین الملل تأسیس شده. تعداد خطاهایش از ابتدای بنیانگذاری بسیار بود، بخصوص در مورد خاورمیانه - چندیست که مختصری قوهٔ ماسکه پیدا کرده است. انحراف ثابت گفتار های حقوق بشری، انحراف سیاسی است. ایران هم از این حکم مستثنی نیست. در دوران شاه، فعالان حقوق بشری کشورمان یکسره رژیم شاه را میکوبیدند، ولی طی انقلاب و حتی مدتها پس از آن، از انتقاد از خمینی و اسلامگرایان ابا داشتند.

به هر صورت، مدتهاست که هم دولت‌ها امکان سؤ استفاده از حقوق بشر را دریافته اند، بخصوص دولت‌های دمکراتیک که برای این کار در موقعیت بهتری قرار دارند و همیشه دمکراسی درونی کشور خود را پرده استتار مقاصد برونی خود میکنند تا کارشان پیش برود، آنهم با امکاناتی که میدانیم.

متأسفانه امروز شاهد انحراف سیاسی در گفتار های حقوق بشری ایرانی هستیم و کمک گرفتن از آمریکا هم که شده سک‌رایج. این ادعا که در برابر کمک، خدماتی نمیدهیم، برای کسی پذیرفته نیست. داستان در این حد نیست که صرف گرفتن ایراد حقوق بشری به نظام اسلامی، کافی باشد تا دولت‌های خارجی را به پشتیبانی از این گروه‌ها وادارد.

انحراف سیاسی دستگاه های حقوق بشری که متأسفانه با ادعای حرف زدن از خارج از میدان سیاست و احیاناً از مقامی برتر، صورت میگیرد، به دو شکل بروز میکند. ابتدایی ترینش، محدود کردن آماج حمله است، به این ترتیب که فقط به یک گروه و یک کشور یا یک بلوک پردازند و خلاصه اینکه گزینشی عمل کنند. سازمان‌های بین المللی در مقابل این نوع انتقاد آسیب پذیرند، اما این طرز رفتار، در مورد گروه های حقوق بشری ایرانی که کارشان اصولاً متوجه به یک کشور است، در عمل حاصل است و حاجت به توجیه ندارد.

شکل دوم که شاید به نظر قدری ظریفتر بیاید، این است که بخشهایی از گفتار تبلیغاتی آمریکا و اسرائیل را در گفتار حقوق بشری خود درج بکنند و به این ترتیب، رنگی سیاسی که به اصل مطلب ارتباطی ندارد، ولی با آن هماهنگی دارد و در عین حال، مطلوب منبع پشتیبانی است، به گفتارشان بزنند. در تناقض کامل با تعهدی که به پایبندی بدان تظاهر میکنند.

روشن کنم که مقصودم ایراد به سیاسی بودن یا شدن گفتار حقوق بشری نیست. عرض کردم که حقوق بشر، بعدی سیاسی دارد که حذف شدنی نیست.

باید بدان آگاه بود و به درستی در جهت آن عمل کرد. بعد سیاسی حقوق بشر یعنی اینکه مجموعه اش بیان شروط تحقق دموکراسی لیبرال است و خواستاریش، در حقیقت خواستاری برقرار دموکراسی لیبرال. عمل درست سیاسی در چارچوب حقوق بشر، عمل در این جهت است و نه حاجت به تبلیغات بی پایه دارد و نه این «سیاسی کاری»‌هایی که شاهدیم. اینها زائد است و توجیه پذیر هم نیست.

تعیین تکلیف با مذهب

حال بیاییم سر قسمت دوم مطلب: اینکه چرا بعضی، صرفاً به دلیل اینکه وقت خویش را صرف دفاع از حقوق بشر کرده اند، خود را مجاز می‌شمرند تا رفتاری پیشه کنند که برای دیگران ممنوع است؟ این تصور ممتاز بودن که به نهایت درجه مضحک است، از کجا میاید؟

تصور میکنم تأکید بر بعد اخلاقی حقوق بشر، نوعی گرایش به مذهبی شمردن آن ایجاد کرده است. به این صورت که منشور حقوق بشر، به دلیل اهمیت بسیارش که در آن تردید نمیتوان کرد، نوعی «تقدس» پیدا کرده و واجد خاصیتی شده که خارج از مذهب معنی ندارد و کاربردش بیجاست. مقدس بالاترین صفت ارزشی است که میتوان به چیزی اطلاق کرد و برخی بی حساب چنین میکنند، ولی مسئله این است که هر ارزشی، هر قدر بالا هم باشد مترادف تقدس نیست. تقدس مفهوم مرکزی مذهب است و کاربردش خارج از این حوزه بیجاست. ایمان، منشأ مقدس شمردن چیزی است. اگر کسی اعتقاد مذهبی دارد که خود داند، اگر هم نه که مورد ندارد دنبال استفاده از این صفت برود. اطلاق تقدس به هر امر انسانی و کلاً تاریخی مشکلات جدی ایجاد میکند. چون چیزی میتواند شایسته این صفت و احیاناً پرستش باشد که خارج از محدودیتهای موقعیت تاریخی قرار داشته باشد و به عبارت ساده تر در حد کمال باشد، از همان نوعی که مذاهب به خدا نسبت میدهند. بعد مذهبی دادن به حقوق بشر، فقط میتواند بشریت را موضوع تقدس بشمارد که قابل قبول نیست چون بشریت همین ماییم به علاوه گذشته‌گان و آیندگانی که نظایر ما بوده اند با همین نقاط ضعف و قوت و به هر صورت، نه تک و نه جمعاً موضوع پرستش نمیتوانند باشند.

مذهب ساختن، حال به هر معنا و هر گستردگی، از حقوق بشر، امریست بی معنا و هدفش جز برگرداندن مردم از مذاهب موجود و فراخواندنشان به این مذهب نوظهور نمیتواند باشد. البته نقداً و بعد از آگوست کنت و مساعیش در این راه، لااقل در بین ایرانیان، کسی تا به اینجا پیش نرفته است. ولی این تقدیس بی خدا، همان موقعیتی را پیش آورده

که هر نوع تقدیسی ایجاد میکند و آن محفوظ داشتن از هر انتقاد و تعرض است. به علاوه، این شبه مذهب، روحانیتی پیدا کرده که قرار است از تقدس اعلامی^۱ معروف بهره مند گردد. از یک طرف حلال و حرام سیاسی را معین میکند و از طرف دیگر خود را از مسئولیت و پاسخگویی معاف می‌شمرد.

این مشکل خود مقدس انگاری، تفاوتی با مشکل دخالت انواع سنتی روحانیت در سیاست ندارد. در هر دو حال، گروهی هستند که به خیال خود، از موضعی برتر، قواعد را معین و به دیگران عرضه میکنند، دائم به همه در بار^۲ رعایت آنها هشدار و تذکار و اخطار میدهند، ولی به خاطر همان توهم برتری، خود را به هیچکس و هیچ مرجعی پاسخگو نمیدانند! کافیت به طبق^۳ حاکم اسلامی نگاه کنید که مقصودم را دریابید. دلیلی ندارد تا برای این طبقه بدل بسازیم.

کوشش در راه اجرای حقوق بشر، تفاوتی با انواع دیگر کار سیاسی ندارد و مشمول همان قید و بندها نیز هست. نمیتوان گفت چون برای حقوق بشر کار میکنم، پس از هر جایی میتوانم کمک بگیرم. فعالان سیاسی نمیتوانند، شما هم نمیتوانید. لازم^۴ حل مشکل، باز گرداندن این داستان حقوق بشر به ابعاد درست و منطقی آن است. ما هنوز از دست روحانیت مذهبی خلاص نشده، حاجت به روحانیت سکولار نداریم. بخصوص که بخواهد به همان راه ممتاز شمردن خود که پای^۵ هر فساد است، برود. یادآوری کوچکی بکنم: احترام به بشریت از برابر شمردن همگان میزاید نه از ممتاز شمردن برخی.

رامین کامران

۵ اکتبر ۲۰۱۹، ۱۳ مهر ۱۳۹۸

برگرفته از سایت ایران لیبرال: iranliberal.com